



رمان سیاسی و زیرساخت‌های آن

تأمران پارسى نژاد

نویسنده هوشیار و آگاه سیاسی، همواره در صدد است که به طرح مسائل جدید بپردازد.

او ابتدا در لابه‌لای صفحات روزنامه‌ها یا از طریق سایر رسانه‌ها به شکار مضامین ناب سیاسی و اجتماعی می‌پردازد و در پی آن، به تحقیق و بررسی عمیق در آن باره مبادرت می‌ورزد. یقیناً لازمه طرح مسائل سیاسی، ارائه نقطه نظرات افراد و گروه‌های ضد هم، دستیابی به اطلاعات دقیق و حقیقی، و تحلیل اصولی رویدادهاست. نویسنده پرتحره، به راحتی می‌تواند دانسته‌ها و اطلاعات خود را در قالب داستانی وارد سازد؛ به گونه‌ای که خواننده در نیابد که در حال کسب اندوخته‌ها و تجربیات نویسنده است. از جانب دیگر، این قبیل آثار، باید به گونه‌ای مطرح گردند که خواننده پس از رویارویی با هر جاذبه مهم، به تفکر و اندیشه واداشته شود. در واقع، هنرمندی نویسنده سیاسی زمانی محرز می‌گردد که بتواند خواننده را در جریان یک سلسله مسائل مهم وارد سازد، و او را در تحلیل سیاسی حوادث، شریک خود کند.

معمولاً رمانهایی که در آن، همه چیز به صورت یکجانبه از سوی نویسنده همه چیزدان مطرح می‌گردد، فاقد جنابیت بوده، و در اثر کوچکترین لغزش، به رمانهای کلیشه‌ای و سفارشی منبدل می‌گردند. این قبیل آثار، به کلاس درسی می‌مانند که استاد یا لحنی یکتوخت و خسته‌کننده به توصیف درس مشغول است، و شاگردان خود را در بحث و جدل، وارد نمی‌سازد. چنین کلاسهایی، فاقد پویایی، و غالباً کسالت‌آور خواهد بود. آن چنان که رمانهای سیاسی هستند، که فقط روایتگر ذهن یکسویه نویسنده‌اند، فاقد گیرایی هستند، و خواننده را در همان مراحل اولیه، از دست می‌دهند. چیزی که مشخص است، رمانهای سیاسی باید زمینه مناسب برای بحث و جدل را فراهم سازند.

در چنین شرایطی، خواننده تمایل دارد با سایر افرادی که رمان را مطالعه کرده‌اند به بحث و گفتگو بنشیند و از ماحصل برداشتهای آنها آگاه گردد. چنین شگردی، فواید بسیار دارد. از سویی باعث می‌گردد تا اثر بر سر زبانتها بیفتد، و در حقیقت، بهترین شیوه تبلیغ استفاده نیروی مردمی است. چرا که مردم، پس از مطالعه آثار بحث‌برانگیز، به راه می‌افتند تا مخاطبان دیگر را بیابند. همین عمل، باعث معرفی اثر در میان جمعی که از انتشار کتاب مطلع نبوده‌اند می‌گردد. از سویی دیگر، رمان سیاسی بحث‌برانگیز، به دلیل ایجاد حالت تعلیق و به فکر واداشتن مخاطب، در آذهنان عمومی، پابرجا می‌ماند، و مخاطب به این سادگیها مسئله و حتی خود اثر را به یاد فراموشی نمی‌سپارد. همچنین، باعث می‌گردد تا حرکتها و جنبشهای جهتتاری در بستر سیاسی و اجتماعی ملل پدید آید.

باید توجه داشت که وظیفه عمده رمان سیاسی، ایجاد یک

رمانهای سیاسی، علی‌رغم طرح مضامین خشک و بی‌روح، با ساختمانی یک شکل و مشخص، می‌تواند یا به کارگیری سنجیده حالت تعلیق و طرح چراهای بسیار، باعث سرگرمی و لذت خواننده گردند، و او را تا پایان راه حفظ کنند.

معمولاً فضاسازی مناسب، طرح سوالات پیچیده، ایجاد راز و سر، و به تعویق انداختن گره‌گشایی‌ها، باعث می‌گردد تا شک و انتظار مناسب و درخور ساختار رمانهای سیاسی، پدید آید. در آن صورت، این نوع ادبی، قادر خواهد بود خواننده را به مکانهایی منتقل کند که تا به حال در آنها نبوده و حتی جرات نزدیک شدن به آنها را نداشته‌اند.

رمانهای سیاسی بزرگ و پرمحتوا، همچنین می‌توانند بر دانش و تجربه خواننده، بیفزایند. در این قبیل آثار، معمولاً مسائل بزرگ جهان سیاست، ساختار اجتماعی شهرهای خاص و مصایب و گرفتاریهای بشر، در دوره‌ای که زندگی می‌کند، مشخص، و به دقت و با ریزیمنی ویژه‌ای، تحلیل می‌گردد.

در این راستا، چارلز دیکنز، با انتخابی هوشمندانه، به موشکافی مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دوره خود می‌پردازد. او بر آن است که کشمکشهای داستانی خود را به رابطه میان فرد و یک قدرت عظیم جاکم بر جامعه اختصاص دهد. دیکنز غالباً از بروز فشارها و تحکمیایی که از سوی جامعه رو به رشد آن دوره متوجه مردم عامی می‌شد ناخرسند بود و نسبت به آن واکنش نشان می‌داد. هر چند که در آثار او، ریشه یابی و تحلیل پیچیده‌ای دیده نمی‌شود؛ بلکه او تنها روایتگر مصایب بشری و نیازهای اوست. رمانهای بزرگ سیاسی‌ای چون «سقوط ۷۹»، «۱۹۸۴»، «قلعه حیوانات»، «کشتن مرغ مقلد» و حتی «فرانک انیشتاین» مناظرات و جدلهای وسیع و همه‌گیری را در سطوح مختلف جامعه پدید آورد. در همان زمان انتشار این آثار، بر همگان روشن بود که باید این گونه آثار را مطالعه کنند و خود شخصاً به استنتاج از مسائل مطرح شده بپردازند.

در این راستا، چیزی که مشخص است این است که آثار سیاسی ماندگار، دارای زبانی تیز و برنده هستند. این زبان، گاه و بیگاه راوی را وامی‌دارد تا تهاجمی برخورد کرده، به تقابل علنی با افراد و رویدادهای سیاسی و اجتماعی بپردازد. تحلیلگران ادبیات سیاسی بر این باورند که میزان تأثیرگذاری رمانهای سیاسی زمانی محسوس می‌گردد که مسائل روز و بدیعی را دنبال کنند. بررسی مسائل سیاسی رویدادهایی که در دهه‌های قبل به وقوع پیوسته، تا حدودی می‌تواند تأثیربرانگیز و دارای گیرایی باشد.

اما مسائل روز و مطرح جهانی، برای خواننده، از اولویت بالایی برخوردار است. چرا که او به شدت نسبت به واقعه کنجکاو است و در پی کشف دنیای پشت پرده می‌باشد.



جرقه در ذهن خواننده، و مواجه ساختن او با سبلی از حوادث و رویدادهای مهم و تکاندهنده است. گاه دیده شده است که نویسنده به این قصد جرقه لازم را در ذهن خواننده ایجاد می کند تا او خود در نیای حقیقی پیرامون خود سرنخها رفته، به کشف ناشناختهها مبادرت ورزد.

در این قبیل آثار، هدف عمده نویسنده، طرح مسئله است؛ و به هیچ عنوان نمی خواهد در فضای داستان، خواننده را نگاه دارد، و در همان جا همه چیز را مشخص سازد. گمان می رود بیشتر رمانهای سیاسی که در فضای بسته و محدود سیاسی کشورهای تحت استعمار و دیکتاتوری خلق می گردند، دارای چنین حال و هوایی هستند. نویسنده رمان، از آنجا که اجازه طرح مسائل سیاسی روز را ندارد، مبادرت به طرح مسائل می کند، و خواننده را رها می سازد تا خود به تحلیل دادهها بپردازد. در سایر رمانهایی از این دسته، نویسنده از اینهام سود جست، مسائل سیاسی و انتقادی خود را، در لایه های زیرین اثر پنهان می سازد. این در حالی است که قضاوت های شخصی نویسنده و طرح آرا و عقاید سیاسی او، همواره در زمان محسوس بوده است.

متأسفانه، نویسندگان آثار سیاسی معترض، غالباً عنصر هیجان و حالت تعلیق را فراموش کرده، لذت بردن از مطالعه آثارشان را از خواننده می گیرند. ایجاد هیجان و اصطلاحاً هول و ولاء اتفاقاً به نویسندگان معترض ملل تحت سیطره کمک می کند تا باورها و آرای خود را در لایه های حوادث پرتنش بهتر پنهان سازند.

سوآلی که همیشه برای منتقدین رمانهای سیاسی مطرح می باشد این است که نویسنده به شخصیت یا شخصیت های داستانی بها داده است یا به موضوعهای سیاسی خالق رمان، باید در مرحله مقدماتی، تصمیم خود را بر سر انتخاب یکی از این دو سازه، بگیرد.

بی توجهی به شخصیت پردازی صحیح و عدم پردازش درست رویدادهای سیاسی، باعث می گردد تا آثار سیاسی مبدل به درامهای سیاسی و شخصیتی گردند. نویسنده سیاسی ای که توانایی خلق آثار تفکربرانگیز را ندارد، برای پوشش دادن به خلاهای موجود، تنها به تزیین و برانگیختن احساسات درونی می پردازد و شخصیتها را به شخصیت های درام مبدل می سازد.

یکی دیگر از ویژگیهای رمان سیاسی، طرح مسائل بسیار حساس و اساسی، چون حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق انسانهایی که هنوز به دنیا نیامده اند، برابری، عدالت، حق رای داشتن، کاپیتالیسم و... می باشد. تمامی موارد یاد شده، ظاهراً جدید و بدیع نیستند.

این نویسنده است که از منظری جدید، مسائل فوق را دوباره مطرح ساخته، به گونه ای رمان خود را خلق می کند که خواننده احساس می کند با موضوع جدیدی مواجه گشته است. باید به این نکته توجه داشت که نویسنده، خود انسان است. احساسات دارد نسبت به حوادثی که پیرامونش روی می دهد حساس است و واکنش از خود نشان می دهد. او دوست دارد تا شاهد دنیای بهتری باشد و بهتر زندگی کند و شرایط مناسب را برای فرزندان و فرزندان فرزندان خود پدید آورد.

معمولاً نویسندگانی که به طرح مسائل سیاسی روز می پردازند، دارای چنین خصیصه ای می باشند. آنها از روحی حساس برخوردارند و همواره نگران آینده هستند.

روشن است که تمامی نویسندگان سیاسی دارای چنین خصیصه ای نیستند. به طور مثال «نویسندگان استعمار نو» با عقد قراردادهای هنگفت، خود و قلمشان را در اختیار استعمارگران قرار می دهند.

این افراد، پس از دریافت طرح اولیه داستان، به خلق رمانهایی در راستای اهداف «به روز» استعمارگران مبادرت می ورزند. سلمان رشدی، از جمله نویسندگانی است که آشکارا خود را در طیف از نویسندگان استعماری قرار می دهد و حتی به این مسئله، می یالد.

جداً از این، برخی نویسندگان سیاسی، به پیروی از آرمانهای احزاب و گروههای سیاسی و برای پیشبرد اهداف آنها اقدام به خلق رمان می کنند. نکته بسیار اساسی این است که حقیقت این گروهها چگونه اثبات می گردد؟ آیا آنها هم در باطن در پی ایجاد شرایط مناسب زندگی برای انسانها هستند؟ آیا آنان هم به آرمانهای اخلاقی و انسان دویستانه می اندیشند؟ یا

خیر، در پی اهداف شخصی خود و گاه ایجاد اغتشاش و برهم زدن ثبات و نظام حاکم بر جامعه هستند؟

بهترین شیوه در پردازش داستان سیاسی این است که نویسنده مراحل فوق را دنبال کند:

الف. انتخاب موضوع سیاسی مورد نظر

ب. تحقیق و گردآوری اطلاعات.

ج. ایجاد طرح اولیه داستان، برای آثاری که در آنها حوادث سیاسی درشت نمایی شده است، و یا شخصیت پردازی منسجم و اصولی برای آثاری که روی شخصیت های سیاسی مطرح و مهم تمرکز کرده اند.

د. خلق داستان

شخصیت های داستانی باید با توجه به روند شکل گیری حوادث و نوع رویدادها سخن بگویند. نویسنده نباید به عمد در داستان سیاسی باورهای خود را وارد ساخته، حضورش را علنی سازد. در

آثار سیاسی ماندگار، دارای زبانی تیز و برنده هستند. این زبان، گاه و بیگاه راوی را وامی دارد تا تهاجمی برخورد کرده، به تقابل علنی با افراد و رویدادهای سیاسی و اجتماعی بپردازد.

حقیقت باید میان کلام شخصیت و نوع شخصیت و طبقه اجتماعی‌ای که به آن تعلق دارد، رابطه قابل قبولی وجود داشته باشد. به طور مثال،

کمتر دیده شده است که فرد ثروتمندی که برای کسب ثروت و قدرت بیشتر حاضر به انجام هر کاری است، از «حقوق بشر» سخن بگوید، و از نابرابریهای موجود گله‌مند باشد. نویسنده هنگام ارائه اطلاعات حقیقی در داستان، باید بسیار مراقب باشد و بی‌محابا دانسته‌های کشف شده را وارد نوسازد.

در غالب داستانهای سیاسی، نویسندگان کم‌تجربه، با قراردادن شخصیت داستانی پشت تریبون، درصدد بیان اطلاعات مورد نیاز خواننده هستند. این شیوه، ساده‌ترین و راحت‌ترین راه برای طرح مسائل است. این در حالی است که اطلاعات مطرح شده بدین شیوه، کاملاً تصنعی ظاهر می‌گردند، و بلافاصله خواننده را متوجه حضور نویسنده در پس کلام راوی می‌کند.

اصولاً طرح اطلاعات ضروری در بستر حوادث، آن هم به صورت ذره ذره، کاری بس صعب و طاقتفرساست و نویسندگان غالباً از آن گریزان هستند.

در واقع، چند محوری کردن یک رویداد، همواره کار نویسنده را سخت و راه را برای او ناممور می‌کند؛ چه رسد به اینکه با مضامین پیچیده و رازگونه درگیر باشد و در پی تحلیل اصولی داده‌ها برآید.

رمان سیاسی، محملی است که در آن، عناصر ضد هم، در کنار یکدیگر متجلی می‌گردند. کآخهای ستم، غالباً در کنار خانه‌های فقیران قرار می‌گیرند. این تضاد، می‌تواند مربوط به گروهها و طبقات خاص اجتماعی باشد، یا در گستره وسیع‌تری مطرح گردد (همچون گذشته و حال، شهرهای بزرگ و روستاهای پاکدامن و بدبطنت، قربانیان زندگی صنعتی و کارخانه‌داران و سرمایه‌داران صنعتی،...). در رمانهای سیاسی، نمایندگان شیطان، به گونه‌های مختلف وارد عمل شده، به جان افرادی که به مقابله با آنها می‌پردازند، می‌افتند.

اینان نمایندگان حقیقی شیطان یا استعمارگرانی هستند که به کشورهای تحت سیطره لشکر کشیده‌اند، یا به شیوه استعمار نو، به بهره‌برداری از ملل دیگر و ایجاد و دگرگونی در ساختار اجتماعی و سیاسی آنها مشغول هستند و یا زورمندان هستند که در جهت میل به اهداف خود، از هیچ کاری روگردان نیستند.

به عبارت دیگر، در غالب رمانهای سیاسی، یک فرد تنها می‌تواند یک جریان نادرست سیاسی را هدایت کند. معمولاً انسانهای منفرد این رمانها، نقش افراد تحت ستم را می‌پذیرند و در آن قالب بازی می‌کنند.

عملکرد مهاجمان، هیچ تفاوتی با شیطان و اعمالش ندارد (۱). بدین خاطر است که نسلها به راحتی از میان می‌روند، سلاحهای نظامی برای کشتارهای جمعی به فروش می‌رسند، جنگهای بزرگ و منطقه‌ای راه می‌افتند و نسل‌کشی صورت می‌گیرد... این اعمال، تجسم خود شیطان است و به غیر از این، چیز دیگری نیست. از این رو، نویسنده آگاه سیاسی، با در نظر داشتن این مسئله، کشمکشها و درگیریهایی داستانی خود را حول محور دو



یکی دیگر از ویژگیهای رمان سیاسی، طرح مسائل بسیار حساس و اساسی، چون حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق انسانهایی که هنوز به دنیا نیامده‌اند، برابری، عدالت، حق رأی داشتن، کاپیتالیسم و... می‌باشد.

عنصر ضد هم قرار می‌دهد.

اسپیروز (Spears) در هنگام تحلیل رمان سیاسی متوجه شد که این گونه آثار، ارتباط تنگاتنگی با ادبیات تعلیمی (didacticity) دارند. او هنگام بررسی آثار دانیل دفو (Daniel Defoe) و ساموئل جانسون (Samuel Johnson) مدعی شد که رمانهای سیاسی، توسط ادبیات تعلیمی گسترش و توسعه یافته است. (لازم به ذکر است، پیش از انتشار رمان بحث‌برانگیز «اولیس» نوشته جیمز جویس، تمامی آثار ادبی منتشر شده در اروپا، یا تعلیمی بودند یا اخلاقگرا و لاجرم، نقدهای پیرامون این آثار نیز، از همین جنس بودند.

حاکمان زور و استعمارگران غربی، در آن ایام دریافتند که با تمسخر ادبیات تعلیمی و خشک و بی‌روح جلوه دادن آن، می‌توانند به اشاعه ادبیات اروتیک بپردازند. این طرح، با اهداف بلند مدت آنها مبتنی بر تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی ملل، همخوانی داشت. آنان برای از همین پاشیدن سنن، باورها و تجربیات ناب ملل متقدم باستانی، از حربه ادبیات استفاده کرده و نشانه روشنفکری را در پیروی از اروتیسم و مکاتب ادبی ساخت خود یعنی مدرنیسم و پست مدرنیسم و استعمار نو دانستند؛ و در جهت القای آن، کوشیدند.

طبق نظر اسپریز، رمان سیاسی یک «نوع» ادبی است که بیشتر به ایده‌ها و مضامین تعلیمی توجه دارد تا به بیان احساسات. در این قبیل رمانها، مکاتب قوه قضائیه، نحوه شکل‌گیری و اجرای قانون، و عوارض طرح تئوریهای سیاسی، اجتماعی و فلسفی، به بونه نقد سپرده می‌شود. و بدین سان است که سیاست به راحتی می‌تواند فضاهای خالی داستانی را پر کند و همواره خواننده را در یک حالت تعلیق مناسب و حساب شده قرار دهد. برای بسیاری از منتقدین رمان سیاسی، بررسی و تحلیل رمانهای سیاسی اتحاد جماهیر شوروی و غرب عاملی برای شناسایی هویت واقعی این نوع ادبی، به حساب می‌آید. در اثر تطبیق این دو نوع رمان، مشخص شده است که رمانهای سیاسی رئالیستی شوروی، فاقد هرگونه جدل و مباحثه است. چرا که آثار منتشر شده در حکومت شوروی، به دلیل فشار سیاسی و دیکتاتوری حاکم بر آن، یکسویه بوده همه در جهت ترویج مکتب کمونیسم و سوسیالیسم خلق شده‌اند.

این مسئله به آن معنا نیست که در غرب سانسور وجود نداشته است. در کشورهای غربی، اکثریت مردم، متمایل به جنبه‌های سرگرم‌کننده رمان هستند.

به همین دلیل، در غرب رمانهای عامه‌پسند ماجراجویانه، حادثه‌ای، رمانتیک و احساسی، بازار فروش کتاب را به خود اختصاص داده و نویسندگان هم، ناخواسته و خواسته، به سمت آفرینش این گونه آثار روی می‌آورند. پس، جای تعجب نیست که رمانهای سیاسی مورد توجه نبوده تعداد اندکی مردم در غرب به مطالعه آنها می‌پردازند. از این رو، برای حاکمان غربی آن چنان مهم نیست که نویسندگان، آزادانه به ابزاز عقاید سیاسی خود بپردازند. چون می‌دانند آثار آنها مخاطب نداشته نمی‌توانند آن چنان در راه‌اندازی یک جریان سیاسی گسترده تأثیرگذار باشند.

مسئله دیگر، نوع شخصیت‌پردازی در رمانهای سیاسی شوروی است.

این افراد آرمانی، به شخصیت‌های اسطوره‌ای می‌مانند که تنها آمده‌اند تا حماسه‌های عظیم برپا دارند بی‌آنکه در روند شکل‌گیری حوادث تأثیرگذار بوده، خود صاحب نظر و ایده باشند. آنان تنها بر اساس ضوابط و معیارهای دیکته شده عمل می‌کنند و در لحظات

حساس، هیچ گونه تصمیم‌گیری از خود ندارند. در واقع، چونان آدمیهای ماشینی‌ای هستند که دارای برنامه حساب شده‌ای است. نویسنده شوروی نیز در شخصیت پردازی خود، نیازی به شرح مکتوبات ذهنی افراد نمی‌بیند.

این افراد دچار کشمکشهای عظیم درونی نمی‌گردند و سوسه نمی‌شوند، و اشتباه نمی‌کنند.

شولوخوف برای یک سو کرهن جریان ادبیات شوروی، زحمت بسیار کشید. او عضو حزب کمونیست بود و به مقامات بالایی در کشور دست یافت. جای تردید نیست که تلاش شولوخوف ضریبات سهمگین و نامیمونی را بر پیکره ادبیات روسیه وارد ساخت؛ و به همین دلیل، دوران شکوفایی ادبیات روسیه پس از انقلاب کمونیستی به پایان رسید، و دیگر روسیه شاهد بروز نویسندگان بزرگی چون تولستوی و داستایوفسکی، چخوف، گوگول و پوشکین نبود، و احتمالاً تا مدت‌های مدیدی نیز نخواهد بود.

همان طور که پیش از این بیان شد، در آمریکا (نیز، چون سایر کشورهای اروپایی، اکثریت مردم، توجه چندانی به رمانهای سیاسی تحلیلی نشان نمی‌دهند.

تنها رمان سیاسی که مورد توجه عوام است، آن دسته از آثاری است که به بر ملا کردن زندگی پنهانی و ماجراهای عاشقانه شخصیت‌های سیاسی روز می‌پردازند. برای مردمی که در پی چرایی هر رویداد نیستند و کوچک‌ترین اطلاعی از جریان‌های سیاسی روز و برنامه‌ها و اهداف استعماری ندارند، کشف دنیای خصوصی برخی شخصیت‌های سرشناس سیاسی، جالب است. در حقیقت، قالب این گونه آثار، بی‌شابهت به رمانهای رمانتیک و یا ماجراجویانه نیست. تنها نوع شخصیت‌های داستانی با یکدیگر تفاوت دارند. در رمان «رنگهای اولیه» نوشته جوکلین (Joe Klein)

زندگی پرهیاهو و پرتنش بیل کلینتون به تصویر درآمده است. راوی داستان، تنها بیانگر حوادث داستانی است؛ و در صدد طرح مسائل سیاسی و موقعیت رئیس جمهور در کشور نیست. در ارتباط با زندگی خصوصی بیل کلینتون، دو اثر همزمان به چاپ رسید. کتاب «اولین بار در کلاس او» نوشته دیوید مارنیز (David maraniss) به زندگی سیاسی بیل کلینتون در قالب غیرداستانی پرداخته است. رمان «رنگهای اولیه» نیز زندگی بیل کلینتون را به تصویر درآورده است. با این تفاوت که، این اثر، به مراتب بیشتر از اثر اولی مورد استقبال قرار گرفت و توانست خواننده را شگفت زده کند. چرا که در اثر داستانی فوق، زندگی پنهان و دور از دسترس بیل کلینتون مطرح گشته است.

اطلاعات نهفته در این رمان، حتی برای همسر رئیس جمهور جالب بوده است. نویسنده پیش از خلق این رمان، اقدام به مصاحبه با دخترانی که توسط رئیس جمهور اغفال شده بودند کرده، و حقایق بسیار ریزی را که تاریخ و مقالات سیاسی از بازگو کردن آنها ناتوان هستند مطرح ساخته است.

همچنین، در رمان «جاده‌ای که به کاخ سفید ختم می‌گشت»، نوشته ریچارد بن کرامر (Richard ben Cramer)، حقایق بسیار قابل توجهی درباره نحوه انتخاب جورج بوش فاش شده است. در این رمان، بیشتر به زندگی پرهیاهوی رئیس جمهور فعلی آمریکا توجه شده است.

لازم به ذکر است که تحلیل و بررسی رمان سیاسی، برای اولین بار در سال ۱۹۲۴ توسط فردی به نام موریس ادموند اسپیرز (morris Edmund Speares)، انجام پذیرفت. او به تحلیل و بررسی عمیق این گونه آثار پرداخت و اصطلاح «رمان سیاسی» را مطرح ساخت. اسپیرز در مقاله معروف خود به اسامی نویسندگانی چون جورج الیوت (۲)، همفری وارد (۳)، اچ. جی. ویلز (۴) و آنتونی

تروپوینا (۵) اشاره داشته و آنان را پیشگامان طرح رمانهای سیاسی دانست.

در هنگام تحلیل رمان سیاسی، منتقد در بدو امر باید در پی کشف علت تلفیق مضامین و رویدادهای سیاسی با عنصر تخیل و رؤیا باشد. او باید با دقت و موشکافی، به کشف و تمیز دادن حقایق بیاسی از تخیل مبادرت ورزد، و پس از جداسازی این دو جریان، به بررسی علل کناره هم قرار گرفتن هر رویداد بر اساس قانون علت و معلولی بپردازد.

سپس، وظیفه منتقد بررسی شخصیت‌های سیاسی و داستانی، و تشخیص هر یک از یکدیگر است. در این راستا، تأثیرپذیری خواننده از شخصیت‌ها و تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر، حائز اهمیت است؛ و به دقت باید مورد ارزیابی قرار گیرد. او با طرح این سؤال که «آیا رمان توانسته دلایل منطقی و استواری برای هر رویداد سیاسی مطرح سازد»، به مصاف حوادث داستانی می‌رود.

در بررسی رمان سیاسی، همچنین باید گروه‌های سیاسی، نژادها و اقوام مختلف را زیر ذره‌بین قرار داده، همواره مراقب رفتار و واکنش آنان در تقابل با سایر حوادث داستانی و حقیقی، باشد. در این میان، بی‌طرف بودن و یا نبودن نویسنده در طی حوادث داستانی، مشخص می‌گردد.

اصولاً ایجاد تعادل میان جریان‌ها و افکار سیاسی افراطی (رادیکالیسم) و ادبیات، کاری سخت و صعب است. غالب نویسندگان سیاسی چون تونی موریسون (Toni morrison)، مارگریت آتوود (Margaret atwood)، هرمان ملویل (Herman Melville) با چنین معضلی مواجه بوده‌اند.

گاه جنبه سیاسی، بر جریان‌های داستانی پیشی می‌گیرد، و یا برعکس، نویسنده کمتر به جریان‌های سیاسی توجه داشته، داستان خود را فدای شرح و توصیف آنها نکرده است.

از میان نویسندگان سیاسی، جورج اروول موفق‌تر از سایرین عمل کرده است. او توانسته به درستی عنصر تخیل را با مضامین سیاسی تلفیق، و در برخی آثار خود، حتی اقدام به آموزش غیر مستقیم کند. در حقیقت، توانمندی و هنر نویسنده سیاسی در تلفیق درست تخیل و سیاست خلاصه می‌گردد. او باید کاملاً به ساختار و قالب داستانی پایبند باشد، و از سویی، به طرح مسائل سیاسی و بحث برانگیز مبادرت ورزد.

بی‌نوشته‌ها:

۱. Structure and tehingue innthe Victorian Political Novel
۲. George Eliot.
۳. Humphrey Ward.
۴. H. G. wells
۵. Anthony troflope.
- منابع
۱. Political Fiction in spires Thought, Heatherlee schroeder.
۲. Political Fiction
- The Victorian Political Novel. ۲. Structure and Techniqe in
۳. Didacticism and Political novel.
- western, David , A. Gold Farb. ۵. The Soviet Novel and the
۶. Politics in modern scienceFiction.
۷. Democratic and American Political Novel.
۸. Political Fiction Reviews.



**در رمان «رنگهای اولیه»
نویسنده جوکلین (Joe Klein)
زندگی پرهیاهو و پرتنش
بیل کلینتون به تصویر
درآمده است. راوی
داستان، تنها بیانگر
حوادث داستانی است؛ و
در صدد طرح مسائل
سیاسی و موقعیت رئیس
جمهور در کشور نیست.**